

بررسی اندیشه شهرسازی شیخ شهاب‌الدین سهروردی

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲

حمید رضا صارمی^۱

جواد مهدیان‌پور^۲

چکیده

امروزه با گسترش مسائل و مشکلات در کشورهای مختلف جهان و ناکارآمدی نظریه‌های وارداتی در برخی زمینه‌ها، ضرورت به‌کارگیری اندیشه‌های مرتبط با زمینه‌های فکری و اعتقادی را در علوم مختلف از جمله شهرسازی را دوچندان می‌کند، بهره‌گیری از مبانی نظری و اصول معماری و شهرسازی اسلامی و در این خصوص، مطالعه آثار و اندیشه متفکران مسلمان می‌تواند مؤثر باشد، هدف این پژوهش بررسی اندیشه سهروردی در ابعاد مختلف شهر و در نهایت ترسیم شهر مطلوب اسلامی از دیدگاه این اندیشمند مسلمان می‌باشد، این پژوهش در هدف بنیادی می‌باشد و روش تحقیق آن تلفیقی از روش‌های «تحلیل متن و محتوا»، «تحلیل علی و فراتحلیل» دربرخی بخش‌ها، روش «اکتشافی» و «قیاسی - توصیفی» بوده و از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر بهره برده شده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین ساحت شهر، که شهر مطلوب در آنجا تحقق می‌یابد، ساحت فکری و جهان‌بینی انسان در شهر می‌باشد که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی شهر نمودار می‌گردد، کالبد شهر از آن منظر اهمیت می‌یابد که در اعتلای دو وجه دیگر نقش مؤثری داشته باشد.

واژگان کلیدی: شیخ شهاب‌الدین سهروردی، شهرسازی ایرانی - اسلامی، شهر مطلوب، ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی.

۱ استادیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲ پژوهشگر برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه و بیان مسئله

با ورود اسلام به سرزمین ایران، تحولات عظیمی در علوم مختلف نظیر پزشکی، ریاضیات، نجوم، شعر و ادبیات، معماری و... شکل گرفت تا آنجا که در حدود چهار قرن اندیشمندان مسلمان سرآمد متفکرین علوم مختلف در سرار جهان شدند. اندیشمندانی که با بهره‌گیری از اندیشه اسلامی بنیان تمدنی را شکل دادند که بعد از حدود ده قرن هنوز تشعشع آن خاموش نگردیده و می‌تواند بن‌مایه‌های فکری تمدن نوین اسلامی را در عصر حاضر بنیان نهد.

با پیدایش انقلاب اسلامی و تحولات فرهنگی مجدداً زمینه پیدایش تمدن نوین اسلامی شکل گرفته است. بدون شک، یکی از مهم‌ترین ارکان این تمدن‌سازی، رجوع به آرا و اندیشمندان مسلمانی است که در دو سده گذشته به‌طور کامل به فراموشی سپرده شده است. این مقاله تلاش دارد تا با تبیین آرا و اندیشه‌های متفکران بزرگ حوزه اندیشه اسلامی سهمی ولو کوچک در این زمینه داشته باشد، در این رابطه شهر و شهرسازی از جمله موضوعات مورد توجه اندیشمندان بوده است زیرا دین اسلام همواره به زندگی اجتماعی بشر تأکید نموده و چارچوب جامعی را در این زمینه ترسیم می‌نماید، بنابراین سخن درباره شهر و شهرسازی اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است، زیرا فضای زیست اجتماعی و فرهنگی هر ملتی، به‌طور طبیعی، تحت تأثیر اقتضائات محیطی و فرهنگی آن است؛ علاوه بر آن کاربست رویکرد اسلامی در شهرسازی معاصر با توجه به دگرگونی و تغییر ساختار شهرها، پیشرفت بشر و در نهایت پیدایش نیازهای جدید امری اجتناب‌ناپذیر در این زمینه تلقی می‌شود که نیازمند تبیین الگوی بهینه در این موضوع می‌باشد.

زمانی که صحبت از الگوی مطلوب معماری و شهرسازی به میان می‌آید، این سؤال پیش می‌آید که الگوی بهینه چگونه الگویی است و برای دستیابی به آن باید به چه مؤلفه‌هایی توجه نمود. امروزه عدم تناسب الگوهای وارداتی متأثر از اندیشه اندیشمندان غربی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را با مشکل روبه‌رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است، بنابراین پذیرش و استفاده از الگوهای رایج جهانی نه تنها نسخه الزامی و از پیش تعیین شده برای تمامی جوامع نیست، بلکه در بسیاری از موارد محل تردید است. با توجه به موارد اشاره شده نیاز به الگویی متناسب با ابعاد مختلف کشور می‌باشد که بهره‌گیری از مبانی نظری و اصول معماری و شهرسازی اسلامی در جهت رجوع به هویت ایرانی - اسلامی در خصوص رسیدن به اصول، معیارها و صفات شهر مطلوب در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

زمانی که سخن از شهر اسلامی و معیارهای ظهور آن به میان می‌آید، اولین گام تدوین اصول و مبانی نظری شهر اسلامی و تبیین اندیشه ناب متفکرین اسلامی است که مبانی علم خود را از بن‌مایه‌های دین مبین اسلام شامل قرآن، احادیث و روایات استنباط و استخراج کرده‌اند به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین موضوعات و منابعی که می‌تواند پژوهشگران را برای تحقق تمدن ایرانی اسلامی یاری رساند، مطالعه و تبیین آثار حکما و متفکرین مسلمان برای به‌کارگیری در حوزه معماری و شهرسازی است که آن حقایق را به‌طور عمیق‌تری دریافته‌اند و با زبان خویش بیان نموده‌اند، در این زمینه بهره جست.

در این راستا و با توجه به نیاز مبرم به مطالعه در این ساحت، در این پژوهش آثار یکی از برجسته‌ترین متفکران مسلمان، شیخ شهاب‌الدین سهروردی^۱، مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفته است.

هدف‌ها و پرسش‌های پژوهش

۱- شناسایی اندیشه و آرا شیخ شهاب‌الدین سهروردی در حوزه شهرسازی

۱ سهروردی و حکمت اشراقی

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، حکیم و اندیشمند مسلمان، در سال ۵۴۹ هجری قمری (قرن ششم) در سهرورد زنجان دیده به جهان گشود؛ از سهروردی بیش از ۵۰ مقاله و کتاب برجا مانده که ارزشمندترین اثر وی حکمت‌الاشراق است که سنگ بنای فلسفه اشراقی به حساب می‌آید. در اصطلاح سهروردی، اشراق اندیشه‌ای است استوار بر شهود. گونه‌ای از شناخت که همراه با دل‌آگاهی از مشرق عقل آشکار می‌شود و آگاهی حکمای ایران باستان را نیز در خود پنهان دارد. حکمت اشراقی دانش نور است و بنیان‌گذار اصلی این حکمت، سهروردی است. واژه اشراق از جهت مفهوم بر دو معنی دلالت دارد:

۱- اشراق: نوری است که از جانب خداوند بر قلب انسان می‌تابد، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... (زمر: ۶۹)

۲- مشرق زمین: این فلسفه از مشرق زمین (ایران) آمده است، لذا آن را حکمت خسروانی نیز می‌نامند.

حکمت اشراقی، حکمتی است پیوندزنده آموزه‌های اسلامی و باورهای باستانی ایران، حکمت اشراق نه تنها برای انسان و شناخت راه و سعادت حقیقی و شناخت پروردگار عالم راهگشاست، بلکه برای ظرف زندگی انسان و مکانی که انسان زیست می‌کند نیز می‌تواند حاوی نکات و تدابیر ارزنده‌ای باشد؛ پیام حکمت اشراقی در ساحت خلق آثار هنری قدسی، چون معماری و در شهر، تنزل حقایق آسمانی بر زمین است. این هنر حتماً روح و جانی دارد که از عالم بالاتری کسب شده و به این جهان صرفاً تعلق ندارد، هدف از خلق هنر بیدارسازی و آگاهی بخشی به مردم است. «هنر سنتی اسلامی بیانگر معنویت و پیام گوهری اسلام به وسیله زبانی ازلی است که دقیقاً با همین ازلیت و تمثیل‌پردازی بی‌واسطه‌اش، مؤثرتر و بی‌دردس‌تر از اغلب توصیفات کلامی عمل می‌کند» (نصر، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

۲- دستیابی به اندیشه‌های مرتبط با ابعاد وجودی انسان، کیفیت زندگی، سعادت حقیقی انسانی و ویژگی‌های شهر و شهرنشینی

ذکر این نکته ضروری است که معماران و شهرسازان بنا نمی‌سازند، بلکه از طریق ساختمان شکل زندگی انسان را می‌سازند. اما باید دید که در طول تاریخ، چه اتفاقی روی داده که پرداختن به انسان و شکل زندگی وی فراموش و پرداختن به شکل بنا جایگزین آن شده است. معمار نباید فقط وضع موجود را بداند بلکه باید وضع مطلوب زندگی انسان را نیز بداند (حجت، ۱۳۸۳: ۶۰۶). در حقیقت پیدا کردن این وضع مطلوب پس از شناسایی منابع و آثار سهروردی و مفاهیم مرتبط با مسائل شهری و نهایتاً تفسیر و تحلیل نظریات مربوطه، مفاهیم، اصول، ارزش‌ها و اندیشه معماري و شهرسازی هدف اصلی این پژوهش بوده است.

پرسش این پژوهش این است که آیا اساساً متفکرین مسلمان (با تأکید بر شیخ شهاب‌الدین سهروردی) دارای نظریه و اندیشه‌ای در حوزه شهرسازی بوده‌اند؟ و در صورتی که چنین اندیشه در آرا آنان تجلی داشته، چگونه می‌توان نسبت به تدوین چارچوب اندیشه‌های شهرسازی متفکرین مسلمان، ابتدا در حوزه‌های نظری و سپس حوزه‌های عملی به کار گرفت.

پیشینه تحقیق

علی‌رغم اندیشه بسیار قوی و منحصر به فرد سهروردی، آثار تخصصی در حوزه‌های مختلف در خصوص اندیشه‌های این حکیم مسلمان محدود می‌باشد، در خصوص تأثیر این حکمت در حوزه هنری، معماری و شهر مطالعات چندانی انجام نگرفته است و بیشتر تحقیقات صورت گرفته در خصوص تفسیر حکمت اشراق است.

در خصوص تأثیر فلسفه اشراق بر هنر اسلامی چند مقاله و کتاب موجود است و در زمینه معماری و حکمت اشراقی نیز چند مقاله و فصل‌هایی از چند کتب وجود دارند.

در این میان نیز کتابها و مقالات دینانی برای فهم حکمت اشراق از جمله معتبرترین و مفیدترین آثار به شمار می‌آید، کتاب شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی از راهگشایان آثار برای فهم حکمت اشراق می‌باشد که به‌طور کلی اندیشه‌های شیخ اشراق و دیدگاه او در خصوص فلسفه اشراقی یا فلسفه نور توضیح می‌دهد، دینانی در این کتاب همچنین بسیاری از رسائل فلسفی شیخ اشراق همچون لغت‌نامه موران، غربت‌الغریبه، عقل سرخ و صفیر سیمرخ را شرح می‌دهد و یکی از جامع‌ترین شروحی است که بر حکمت اشراق نگاشته شده است، البته

این اثر به تبیین رابطه تأثیر حکمت اشراق بر شهر یا معماری اسلامی نمی‌پردازد و در این حوزه قرار نمی‌گیرد، اما از برترین منابعی است که برای درک صحیح حکمت اشراق می‌باید به آن رجوع کرد، از آنجا که درک حکمت اشراق توسط شروح سایر متفکرین امکان‌پذیر است، شروحنی که در این باب مطالعه می‌گردند قطع به یقین در دریافته‌ها و اکتشاف و استخراج مفاهیم تأثیرگذار خواهند بود.

سید حسین نصر در کتاب سه حکیم مسلمان، به طور اجمالی به اندیشه‌های اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی پرداخته است، اما در خصوص رابطه بین این حکمت و تجلی آن در معماری و شهر اسلامی مطلبی ذکر نکرده است. وی در این اثر به بنیان‌های تفکری شیخ اشراق پرداخته است و کشف و شهود ذهنی از منظر سهروردی را عالی‌ترین راه برای دستیابی به معرفت می‌دانند.

مهم‌ترین اثری که از جنبه‌ای متفاوت ارتباط موضوعی شهری را با فلسفه اشراق توضیح داده است مقاله بابک عالیخانی در خصوص عالم هورقلیا است، وی شهرهای باستانی چون گنگ دژ را بسیار نزدیک به تعالیم اشراقی می‌داند و هورقلیا را قلعه خورشید می‌داند. توجه به مدینه مثالی کنگ دژ (هورقلیا در حکمت اشراق) راه درک برخی صنایع سنتی مانند قالیبافی و نیز تاریخ شیوه‌های شهرسازی در ایران را باز می‌گشاید. شهر هگمتانه (همدان) پایتخت مادها، دو شهر پاسارگاد و تخت جمشید متعلق به دوره هخامنشیان، باغشهر اصفهان پایتخت صفویان شیعه و سرانجام طهران براساس کهن‌الگویی (آرکتیپی) ساخته شده‌اند که همانند شهر شگفت‌انگیز کنگ می‌باشد.

پورنامداریان نیز در کتاب شرح و تحلیل داستان‌های رمزی سهروردی چاپ شده به سال ۱۳۶۸ از منظر متفاوت به آثار شیخ اشراق پرداخته است و بحث ویژگی‌های رمزی و تمثیلی آثار سهروردی را ذکر کرده است، هرچند مشخصاً ایشان نیز به بحث هنری اشاره‌ای نکرده‌اند، اما می‌توان عمیق‌ترین دریافته‌ها را از تمثیلات و رمزگونه بودن اندیشه‌های سهروردی در انواع هنرها استخراج نمود و از این جهت کتاب دکتر پورنامداریان به‌عنوان اثری که غیرمستقیم می‌تواند نقش بسیار مهمی در فهم جنبه‌ای از تأثیرات حکمت‌الاشراق بر آثار مصنوع انسان از منظر تمثیل داشته باشد، اثری مهم و کارآمد تلقی گردد.

موسی دیباج در کتاب ماهیت معماری منتشر شده به سال ۱۳۹۱، از فلسفه نور در معماری سخن گفته‌است. از نظر وی، روابط اشیا براساس فاصله و دوری آنها از منبع غایی نور تعریف می‌شود و

عقیده دارد در معماری اشراقی دید و مشاهده انسان باید به سوی عالم برتر و بالاتر باشد. معماری اشراقی را چون نور، ابهام‌زدا می‌داند، وی عمارت اشراقی را مظهر متافیزیک نور می‌داند. بلخاری قهی در سال ۱۳۸۸، در کتاب *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی* در دو دفتر جداگانه (وحدت وجود و وحدت شهود) و (کیمیای خیال)، به‌طور مستقیم تأثیر برخی اندیشه‌های شیخ‌اشراق را درحوزه هنر اسلامی و معماری اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند، ایشان فلسفه نور را در برخی از هنرها مانند نقاشی، مینیاتور و تزیینات اسلامی همچون مقرنس‌ها و شمشه‌ها بررسی کرده‌اند، البته در این کتاب نیز به صفات شهر مطلوب اشراقی اشاره‌ای نشده‌است. اندیشه‌های وحدت‌گرایانه شیخ‌اشراق در قلمرو نور و مراتب آن جریان دارد. شیخ‌اشراق کثرت ماهیات را با توجه به مفهوم «نورالانوار» در یک نظام وحدت‌گرا مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد.

می‌توان به جرئت بیان نمود که کتاب *هنر و زیبایی از دیدگاه شهاب‌الدین سهروردی* تألیف طاهره کمالی زاده در سال ۱۳۸۹، درخصوص مبانی حکمی و زیبایی‌شناختی حکمت اشراق و تأثیر آن بر هنر از اولین کتبی است که دیدگاه هنر را به‌طور خاص، در اندیشه شیخ‌اشراق بررسی کرده‌است؛ وی در این کتاب، با مقدمه‌ای از حکمت الاشراق و بیان خصوصیات آن، در بخش سوم کتاب، به مبانی حکمی هنر اشراقی می‌پردازد و در خصوص حسن، عشق، نیکویی، لذت و ادراک و رمز و نماد سخن می‌گوید. وی در خصوص زیبایی و ادراک هنری از منظر سهروردی مطالبی مهم و حائز اهمیت را عنوان می‌کند: در اندیشه سهروردی، زیبایی امری عینی است که با حفظ هویت ملکوتی خویش به عالم مُلک آمده و در آغاز آفرینش در آدم ابوالبشر به ودیعه نهاده شده‌است.

وجه تمایز این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها در این است که سعی شده آرا شیخ شهاب‌الدین سهروردی را با رعایت اصل امانتداری در محتوای اندیشه آن، به‌صورت نظری و کاربردی وارد عرصه مطالعات شهری و شهرسازی نماید.

نقد جدی که به پژوهش‌های گذشته وارد است، این است که نتوانسته‌اند پیوند میان اندیشه‌های متفکرین بزرگ مسلمان را به حوزه‌های کاربردی شهرسازی وارد نمایند. این غفلت سبب گردیده که محققین و دانشجویان این رشته در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری صرفاً اندیشه صاحب‌نظران غربی، آن هم بیشتر اندیشمندان کشورهای فرانسه و انگلستان، را مورد بررسی قرار دهند و در عمل هم این اندیشه‌ها در عرصه کالبدی تجلی پیدا

نموده و امروزه همه بنیان‌های شهرسازی بوم‌گرا و با هویت ایرانی اسلامی در مواجهه با شهرسازی غربی دچار انفعال گردیده و تاب لازم را در مقابل آنها نداشته است.

تعریف مفاهیم

در پژوهش‌هایی که به تبیین و بررسی اندیشه متفکران اسلامی پرداخته می‌شود، به دلیل کمبود منابع و همچنین عدم تعریف مناسب از واژگان سبب گردیده تا تعریف مشترکی از این واژه‌ها در مستندات علمی وجود نداشته‌باشد. با این وصف در این بخش از پژوهش مفاهیم اصلی مورد تعریف قرار می‌گیرد:

آرمان‌شهر: شهری آرمانی است برحسب ادراکات و مواضع سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فرهنگی در ظرف زمان هر دوران تجسم می‌شود (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸: ۲۰).

توسعه پایدار: توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را مرتفع می‌سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در دستیابی به نیازهایشان با مشکل مواجه نماید (Nvan Lier, 1998). از این رو موضوعات اصلی مطرح در توسعه پایدار اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست هستند.

شهر و شهرسازی اسلامی: مفهوم شهر و شهرسازی اسلامی که شرق‌شناسان به کار برده‌اند، مبتنی بر این فرض است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می‌کند؛ اصطلاح شهر اسلامی منوط به وجود شهری است که مبانی نظری طراحی و ساخت آن (مشمول بر اصول، ضوابط، معیارها و...) از متون اسلامی نشئت گرفته باشد؛ البته نحوه پاسخگویی به معیارهای مندرج در زمان و مکان متفاوت خواهند بود و آنچه که لایتغیر است (با توجه به ماهیت ابدی بودن شریعت اسلام) اصولی و مفاهیم اسلامی خواهند بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۸).

ساحت اجتماعی-سیاسی شهر: در این رابطه به دلیل وابسته بودن به اصول و قوانین حاکم در هر شهر تعریف جامعی موجود نمی‌باشد ولی در مجموع می‌توان چنین برداشت نمود که ساحت اجتماعی-سیاسی شهر ماحصل کنش‌های فردی و جمعی، هنجارها، اخلاق شهروندی و... پدیدآورنده ماهیت اجتماعی-سیاسی در شهر می‌باشند.

ساحت اقتصادی شهر: شهر موجودیتی اقتصادی است و توزیع ثروت در شهر تاندازه زیادی بر تقسیم کار اجتماعی انطباق دارد، از این رو میان ابعاد اقتصادی شهر و فضاهاى کاربردى شهر (کار، مسکن، اوقات فراغت و حمل و نقل) رابطه گسترده‌ای وجود دارد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

ساحت زیست محیطی شهر: ساحت زیست محیطی شهر با توجه به برهم کنش‌های میان انسان و طبیعت و از دیدگاه بشر توصیف می‌شود.

ساحت کالبدی شهر: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های هویت شهری کالبد و بافت شهر می‌باشد، کالبد و بافت شهری از عوامل مهم در تفاوت‌های بیشتر شهرها از همدیگر می‌باشد. بافت کالبدی و ساختار مکانی-فضایی شهرها یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد، زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بیانجامد (نوفل، پورجعفر و کلبادی، ۱۳۸۸).

روش تحقیق

در این پژوهش، که از نوع بنیادی می‌باشد، روش تحقیق اساساً تلفیقی از روش‌های «تحلیل متن و محتوا»، «تحلیل علی و فراتحلیل» در برخی بخش‌ها و نیز روش «اکتشافی» و «قیاسی - توصیفی» بوده و از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر بهره برده شده است. مطالعه متن و تحلیل آثار سهروردی با مطالعه، مقایسه، تطبیق متن با خود متن و درک مفاهیم متن به‌طور مستقیم و همچنین به کمک شرح آثار توسط سایر متفکرین و آثار سایرین برای دستیابی و حداقل نزدیکی به آرا سهروردی بوده است. در عین حال، از تفهم، درونیابی، درک و نهان‌بینی و معناکاوی آرا نیز بهره برده شده است.

یافته‌های تحقیق

عوامل چهارگانه وجوه مختلف شهر

با توجه به این مهم که ساحت شهر وجوه مختلفی دارد و مؤلفه‌های بسیار پیچیده و گسترده‌ای در شکل‌گیری شهر دخیل هستند، به منظور امکان پذیر شدن مطالعه صفات شهر و توانایی در طبقه‌بندی، تحلیل، بررسی و مقایسه شهر به چهار ساحت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و کالبدی تقسیم‌بندی شد.

الف) ساحت اجتماعی شهر

۱. اهمیت انسان و ضرورت خودشناسی و هویت

نور در فلسفه اشراق، رمز آگاهی و خودآگاهی است. یکی از مهم‌ترین تجلیات نور، آگاهی، دانایی و حقیقت است؛ خودشناسی از مهم‌ترین توصیه‌های سهروردی است، متفکرین معاصر نیز به این مهم دست یافته‌اند که بدون شناخت انسان هرگونه طرحی در هر زمینه‌ای، بیهوده و بی‌فایده است. سهروردی کمال سعادت بشری را در جستجو و تحصیل معرفت و حرکت از ظلمات به سوی نور می‌داند. کسی که ذات خود را ادراک کند، خود نور مجرد خواهد بود. بنابراین نخستین گام جهت نزدیک شدن به آن شهر مطلوب از دیدگاه سهروردی آن است که هر فرد خود به شناخت خویشتن خویش و خدای خویش و زندگی دنیوی و اخروی خویش بپردازد، آنگاه که این علم، معرفت و آگاهی در وجود انسان متبلور شود، راه به سوی کمال طی خواهد شد و تعالی و صعود معنوی به‌وقوع خواهد پیوست.

۲. بحران‌های اجتماعی انسان امروز

سهروردی در زمان خود، به پرسشی پاسخ داد که امروز هم جامعه مدرن نیاز دارد به آن پاسخ گوید؛ این‌که تضاد و تقابل میان عقل و دل، مشا و اشراق، فکر و قلب چگونه قابل جمع یا حتی قابل حل است؟ جهان امروز گرچه به پیشرفت‌های اساسی دست یافته و از مدار ماه گذشته است، اما از قرار مهر بسی دور و از حل بحران‌های روحی خویش عاجز است. ترس و اضطراب و ناامنی وجودی، احساس پوچی و خلأ و اضطراب‌های عمیق روحی چیزی نیست که بتوان آنها را با عقل و خرد بشری حل کرد یا پاسخی برای آنها یافت. تکیه بیش از حد بر عقل و خرد انسانی در دنیای جدید، سبب شده که انسان‌ها از نیازهای روحی و معنوی خود غافل بمانند و به گمان اینکه با همین عقل جزئی می‌توان به شناخت و آرامش و سعادت دست یافت، از شناخت عمیق‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد وجودی خویش غافل شوند (نصر، ۱۳۸۰: ۶). در ادامه به بررسی مهم‌ترین بحران‌های اجتماعی و پاسخ سهروردی به آن پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱. بحران‌های انسان امروز و پاسخ سهروردی به آن با موضوعیت معماری و

شهرسازی^۱

عنوان	شرح بحران	پاسخ سهروردی
بحران رهاشدگی، تنهایی، ترس و ناامنی	نارضایتی روزافزون ما از راه‌ورسم زندگی امروزی به دلیل اشتیاق به یک زندگی لذت‌بخش و پرمعنی است که بتواند نیازهای خاص انسان را که طی چند هزار سال تاریخ او رشد کرده، جواب بگوید. اضطراب مفرط، تنهایی و احساس عدم امنیت و فقدان شخصیت، امروزه روح انسان را از درون می‌تراشد و او را از پای در می‌آورد.	از نظر سهروردی پیوند میان جهان هستی با خداوند به شکل یک رشته طولی برقرار است. این پیوند هیچگاه گسسته نشده تا انسان در مقابل جهان، احساس تنهایی و ناامنی کند. روابط اجتماعی در شهر بر مبنای سخنان شیخ‌اشراق بدین صورت باید تعریف شود که افراد جامعه با یکدیگر روابط مستحکمی برقرار کنند و با تمهیدات مختلفی زمینه‌های ارتقای سطح روابط همسایگی نظیر ایجاد مکان ملاقات، تقویت سلسله‌مراتب فضاهای شهری و سایر انگاره‌های طراحی که موجب حضورپذیری و احساس امنیت افراد می‌شود را ایجاد نمود.
بحران منفعت‌طلبی	یکی از بحران‌های انسان امروز بحران مصرف‌گرایی و منفعت‌طلبی است. هنجارهای رایج جوامع مدرن در مصرف بی‌رویه و ایجاد جاذبه‌های کاذب برای رسیدن به منتهای منافع فردی است.	در تفکر اشراقی، از آنجاکه هدف و جهتی برای کمال انسان تعیین شده‌است، خلاف تفکر مصرف‌گرایی مدرن، رابطه معکوسی میان ارضای نیازها و پاسخگویی به منافع فردی در عالم محسوس و عالم روحانی وجود دارد. به این معنی که هرکس بتواند تعلقات دنیوی را ترک کند، در عالم روحانی، از چیز باارزشی برخوردار می‌شود. در شهر اسلامی، یکی از اصولی که مورد توجه است همه‌شمولی در منتفع شدن افراد از خدمات شهری است که فرقی میان غنی و فقیر نمی‌داند و افراد نیز بدان پایبند هستند.

۱. منبع: نگارنده به نقل از (فروم، ۱۳۸۰)، (سهروردی ش، ۱۳۸۲)، (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹) و (قیادی و عاملی رضایی، ۱۳۹۰).

ادامه جدول شماره ۲. بحران‌های انسان امروز و پاسخ سهروردی به آن با موضوعیت معماری و

شهرسازی^۱

عنوان	شرح بحران	پاسخ سهروردی
بحران از خودبیگانگی و غفلت از اصل خود	از خودبیگانگی انسان، با آنچه در عرف دورویی و ریا نامیده می‌شود، در ماهیت یکسان است، با این فرق که دورویی همیشه آگاهانه صورت می‌گیرد، ولی از خودبیگانگی غالباً ناآگاهانه روی می‌دهد. به علاوه در دورویی اراده فردی دخالت دارد لذا می‌توان گفت از خودبیگانگی معلول ناروایی نظام اجتماعی است.	از دیدگاه سهروردی، انسان از یک‌سو به عالم خلق و از سوی دیگر به عالم امر (عالم روحانی) وابسته است. به این ترتیب، موجود انسانی هم دارای جنبه تعلق و وابستگی است و هم تجرد و وارستگی است. آنچه سبب غربت انسان می‌شود این است که وی عالم یگانگی را فراموش کند و در عالم ماده و پراکندگی محصور باشد. در مباحث شهری، می‌توان به ایجاد حس تعلق به مکان و هویت از طریق محوریت قرار دادن بوم‌محوری و اصالت‌بخشی در معماری ابنیه و فضاهای شهری اشاره نمود.
بحران ناآرامی و اضطراب	از مهم‌ترین مشکلات بشر امروز، که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان آن را مهم‌ترین اختلال روحی این دوران می‌دانند، اضطراب و ناآرامی است. بشر که پیوندی با جهان و طبیعت و ذات هستی ندارد، بی‌قرار و نگران شده است. خود را با دوستی، عشق، ارضای نیازها، خوش‌گذرانی و... سرگرم می‌کند تا به آرامش برسد، اما اضطراب وجودی‌اش برطرف نمی‌شود و سکینه و آرامش لازم را نمی‌یابد.	در این رابطه تقویت حس معنوی اماکن و فضاهای مرتبط با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی است می‌تواند راهگشایی برای شهرهای بحران‌زده معاصر باشد همانند تجربه‌ای که در شهرهای اسلامی گذشته مشاهده می‌گردد.

۱ منبع: نگارنده به نقل از (فروم، ۱۳۸۰)، (سهروردی ش، ۱۳۸۲)، (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹) و (قبادی و عاملی رضایی، ۱۳۹۰).

ب) ساحت سیاسی شهر

سهروردی امور دنیوی را به دو بخش امور غیرمتعلق به انسان و امور مربوط به او تقسیم می‌کند و قسم دوم این امور را حکمت عملی می‌نامد و آن را در ۳ بخش خلقیه، منزلیه و مدنیه دسته‌بندی می‌کند. علم مدنی‌ای که سهروردی از آن یاد می‌کند، به معنای شناخت پدیده‌های مدنی یا سیاسی در نظر وی عبارت از زندگی جمعی و حیات مدنی انسان هاست. سهروردی وارد مباحث مدینه و انواع مدینه‌ها نمی‌شود، ولی به ضرورت نیاز بشر به حکمت مدنی اشاره می‌کند. دولت، یا به تعبیر سهروردی حکومت، حکیم متأله، مطلوب نهایی شیخ اشراق است (اسفندیار، ۱۳۹۲: ۳). وی از دولت که مهم‌ترین پدیده سیاسی در جامعه انسانی می‌داند و ضرورت، ماهیت و جایگاه آن را مشخص می‌سازد. او اجتماع انسان‌ها را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند و از این رهگذر داناترین فرد اجتماع را برای رهبری آن در نظر می‌گیرد. حکمت مدنی‌ای که سهروردی در تقسیمات خود از آن سخن می‌گوید، علم به تمامی حقایق سیاسی مربوط به معاش انسان در دنیا می‌باشد. زندگی جمعی انسان نخستین و اصلی‌ترین رکن اندیشه سیاسی شیخ اشراق را تشکیل می‌دهد و از این رهگذر وی ضرورت وجود حاکم را برای زندگی جمعی بشر تبیین می‌کند و تمامی امور دنیوی انسانی را در نیل به کمال و سعادت مورد توجه قرار می‌دهد. در نظر سهروردی، اگر ریاست واقعی جهان به دست حکیمی متأله قرار گیرد، زمانه آن حکیم بس نورانی و درخشان خواهد بود و برعکس، هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت‌ها و تاریکی‌ها بر عالم و مردم آن چیره شود.

۱. ضرورت دولت و حکومت

الگوی حکومت مطلوب سهروردی حکومت حکیم متأله است. وی برای اثبات ضرورت این حکومت نخست به ضرورت زندگی جمعی و نبوت اشاره می‌کند و از این رهگذر به حکومت حکیم متأله می‌رسد (اسفندیار، ۱۳۹۲: ۹).

سهروردی در رساله اذعان می‌دارد که بر خلق واجب است تا از وی اطاعت کنند و استدلال می‌کند که او از ضمیر دل انسان خبر می‌دهد و در همین جا ارتباط عقل و شرع را ثابت می‌کند و بیان می‌دارد بشر به شرع، که با منبع فیض الهی ارتباط دارد، نیازمند است. وی وجود نبی و رهبر را لطف به انسان‌ها از سوی پروردگار عالم می‌داند.

سهروردی پس از تبیین چگونگی گام نهادن فیلسوفان در مسیر انبیا با اثبات ضرورت وجود رهبری، اطاعت و فرمان برداری از حاکمان را امری واجب قلمداد می‌کند و به سرنوشت اقوامی که از رهبران خویش سرپیچی کرده اند اشاره دارد و مردم را به گردن نهادن به فرمان خدای دعوت می‌کند (سهروردی، ۱۳۸۰).

۲. حکومت مطلوب (حکیم متأله) در اندیشه سهروردی

شیخ اشراق در رساله *اعتقاد الحکماء* به خلقت عقل بشر اشاره می‌کند و مراتب عقل آدمی را بیان می‌دارد. وی انسان را اشرف حیوانات روی زمین می‌داند که دارای نفس ناطقه است و روح انسان را روح الهی متعلق به بدن آدمی می‌داند. عقل انسان به میدان قدرت تعبیر می‌کند. وی معتقد است:

«هرگاه اینان (آدمیان) در عرصه میدان قدرت گام برنهند در آن دریایی غوطه ور شوند که خاص مقربین درگاهش بود و به آنها آن رسد که مقربانی که در زیر درجت و مقام کبریایی او به نزد مصدر جود و بخشش‌های بی‌پایان او مقام گزیده‌اند و خدای بزرگ اینان را بر مردمان بدکردار گمراه پیش از آنکه از کالبدهای جسمانی رها شوند و به باب بلندپایه او روی آورند پیروز گردانند و برای آنان زیبایی و بهاء از جمال نوربخش خود قرار دهد».

حکومتی که سهروردی به دنبال آن است صفتی الهی دارد. حکیمی که سهروردی از او به نام حکیم متأله یاد می‌کند به سبب نماید و سرانجام «طی الأرض» کند و «مشی علی الماء و الهواء» ارتباط با خداوند می‌تواند صاحب گردد. به اعتقاد سهروردی، حاکم حکیم یا رئیس مدینه می‌باید «الواصل بالسماء»: باشد تا اهل مدینه با دیدن کرامات وی از او فرمان برند (سهروردی، ۱۳۸۰). این اعتقاد حاکی از نگاه آسمانی و الهی سهروردی به سیاست و حکومت است. شیخ اشراق رئیس مدینه را در هر عصری خلیفه الله می‌داند و از نظر او حکومت یا ریاست و تأله می‌تواند با هم در شخصی یگانه ظاهر شوند که همان خلیفه الله است.

ج) ساحت اقتصادی شهر

همان‌طور که اشاره شد، سهروردی در هیچ‌یک از آثار خود، به‌طور مستقیم، در رابطه با مفاهیم اقتصادی سخنی نگفته است، اما می‌توان با ترجمان مفاهیم موجود در آرا وی به مواردی چون

عدالت اقتصادی و تبیین مسئله فقر از دیدگاه این حکیم مسلمان پی برد که در ادامه بدان اشاره شده است.

۱. مسئله فقر و عدالت اقتصادی از منظر سهروردی

سهروردی حصول عدالت را عالی ترین درجه کمال عقل عملی انسان و عدالت را غفت، شجاعت و حکمت می داند. عدالت با توجه به مبانی نظری اندیشه وی تعادل، تناسب، هماهنگی و میانه روی است زیرا حکمت که جزئی از عدالت در اندیشه او می باشد، حد وسط استعمال عقل عملی در تدبیر زندگانی است. از این رو در امور ارادی و اختیاری همچون تدبیر منزل و سیاست مدنی، عدالت بر محور تعادل، تعدیل و اعتدال می چرخد و در نتیجه، حکیم متأله عهده دار برقراری تناسب، تعادل و وحدت در امور نامتناسب و نامتعادل است (اسفندیار، ۱۳۸۵). آنچه از این گفتار برمی آید این است که عدالت از منظر سهروردی، می تواند در مسائل مختلف نمود پیدا کند و عدالت اقتصادی نیز می تواند در این راستا، به عنوان کلیدی ترین مسئله نمود پیدا کند.

سهروردی برای تبیین بهتر مسئله از واژه غنی و فقیر استفاده می کند و اشاره دارد به این موضوع که فقر اقسام مختلفی دارد که یکی از آنها فقر در دسترسی به امکانات زندگی از قبیل غذا و پوشاک است و در مقابل، مفهومی غنی را بیان می کند و اشاره می کند که موجود غنی در ذات و صفات خود به غیر وابسته نیست و با بسط این موضوع به وحدانیت حق تعالی می رسد و به این نکته اشاره می کند که غنی به ذات تنها خداوند می باشد (شکر، ۱۳۹۲: ۳ و ۴).

در مسائل شهری نیز می توان نمود آن را جستجو نمود، یکی از مقوله هایی که اخیراً بدان اشاره می گردد توزیع متوازن خدمات و بهره برداری شهروندان از تسهیلات و خدمات شهری است که البته این موضوع هم درای سطوحی می باشد، یکی از ویژگی های کالبدی شهر اسلامی این بوده است که عموماً معماری بیرونی خانه های اقشار فقیر و غنی شهر یکسان بوده و به هیچ عنوان در مصالح به کار رفته الگوی ساخت تفاوت و تضادی دیده نمی شود و خدمات هم با توجه به سلسله مراتبی که در شهرهای سنتی شاهد هستیم به صورت متوازن توزیع شده است.

د) ساحت زیست محیطی شهر

۱. ارتباط انسان و طبیعت

طبیعت به عنوان آیاتی از آیات خداوند، یکی از بهترین تذکرها و یادآوری ها به خالق هستی و وصال انسان به اصل خویشتن است. طبیعت یکی از مهم ترین مصادیق تذکردهنده انسان در

کالبد شهر است که جایگزینی ندارد و شهر اسلامی باید به بهترین وجه از این آفریده خدا بهره برد و تا حد توان در پاسداشت و نگهداری آن کوشا باشد (نقی زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۴).

سهروردی کمال هر اثری را در وجه معنوی آن می‌داند و نه بعد ظاهری، تذکری مبنای اشراقی در سطح شهر دارد که تذکری روحانی و آن جهانی باشد، از منظر سهروردی قوی‌ترین ادراکات، ادراکات عقلی است و ادراکات حسی نازل‌ترین مرتبه ادراک به‌شمار می‌روند، بنابراین تذکری بیشتر مبنای اشراقی دارد که جنبه ادراکات معنوی داشته باشد و تنها به حواس ظاهری معطوف نشود. «هر شهر و هر عمارت و هر جزئی از آن باید انسان را به اصول و ارزش‌های معنوی و فکری و فرهنگی متذکر گردد و یادآور و متذکر ارزش‌ها در ذهن و اهل خویش و هر ناظری باشد. نکته شایان توجه این است که تذکر و یادآوری در بُعد معنوی و روحانی زندگی، بیش از تذکر بعد مادی زندگی انسان، اهمیت دارد، اگر تذکر در بعد مادی رخ دهد، سبب غوطه‌ور شدن انسان در دنیا و ماده خواهد شد. اما ساحت معنوی نیازمند تذکر و یادآوری مداوم است و اینجاست که نقش محیط در تذکردهی به انسان مشخص می‌گردد.» (نقی زاده، ۱۳۹۰: ۸۴).

۲. اندیشه سهروردی در مورد توسعه پایدار

امکان تجلی آموزه‌های حکمت اشراق در ساخت محیط زیست‌مطلوب اسلامی معنویت را می‌توان سنگ‌بنا و سرشت بن‌مایه هنر اسلامی قلمداد کرد. آنچه حکیم اشراقی بر آن تأکید دارد، تلاش و کوشش آدمی برای سیر و صعود معنوی و متعالی و رسیدن به مرحله‌ای است که دریافت تابش‌های انوار الهی بر او ممکن گردد، این مهم باعث کسب فیض و دریافت الهاماتی می‌گردد که در اکتشاف علوم و خلق هنر بسیار مهم مؤثر است. پیام حکمت اشراقی در ساحت خلق آثار هنری قدسی، چون معماری و در شهری، تنزل حقایق آسمانی بر زمین است. این هنر حتماً روح و جانی دارد که از عالم بالاتری کسب شده و صرفاً به این جهان تعلق ندارد. هدف از خلق هنر بیدارسازی و آگاهی‌بخشی به مردم است. هنر سنتی اسلامی بیانگر معنویت و پیام گوهری اسلام به‌وسیله زبانی ازلی است که دقیقاً با همین ازلیت و تمثیل‌پردازی بی‌واسطه‌اش، مؤثرتر و بی‌دردس‌تر از اغلب توصیفات کلامی عمل می‌کند. ظرف زندگی انسان می‌تواند زمینه‌ای برای اوج و پرواز روح انسان و هموار نمودن مسیر رسیدن به کمال و تعالی ایجاد کند (حلیمی، ۱۳۹۱). سهروردی نظرات بسیار ارزنده‌ای هم در مورد توسعه پایدار و محیط‌زیست دارد. از اندیشه وی در مورد محیط برداشت می‌شود که وی محیط را بستر انسان فرض می‌کند و

برای انسان نیز در قبال طبیعت مسئولیت قائل می‌گردد. به نظر می‌رسد که سهروردی معتقد است تا زمانی که محیط سالم نباشد، نمی‌تواند موجب تعالی انسان گردد. او در رابطه بین انسان و طبیعت به زمان توجه می‌کند و دیدی بلندمدت بر این مسئله دارد و اعتقاد دارد که اگر انسان از مسئولیت خود در قبال محیط طبیعی غافل گردد، هرچند می‌تواند در کوتاه مدت از آن استفاده کند، ولی این بهره‌مندی فقط مقطعی خواهد بود و این همان اندیشه‌ی توسعه‌ی پایدار می‌باشد که سهروردی سالیان قبل به آن اشاره کرده‌است.

ه) ساحت کالبدی شهر

۱. اصول شهرسازی اسلامی بر مبنای نورالانوار سهروردی

سهروردی وجودشناسی خود را «نورالانوار» نام داده‌است. همان حقیقت الهی که درجه‌ی روشنی آن چشم را کور می‌کند. نور را نمی‌توان با کمک چیز دیگر و نسبت به آن تعریف کرد، زیرا تمام اشیا با نور آشکار می‌شوند و طبعاً باید با نور تعریف شوند. «نورالانوار» یا «نور مطلق» همان وجود مطلق است و تمام موجودات وجود خود را از این منبع کسب کرده‌اند و جهان هستی چیزی جز مراتب و درجات گوناگون روشنایی و تاریکی نیست. به همین دلیل، سلسله مراتب موجودات بستگی به درجه‌ی نزدیکی آنها با «نورالانوار» دارد، یعنی به میزان درجه «اشراق» و نوری که از نورالانوار به آنها می‌رسد (احمدی سلمانی، ۱۳۹۰).

جدول شماره ۱۲

اصل اول	توضیح از منظر سهروردی	مصدق شهرسازی مصداق شهرسازی
کثرت در وحدت	تمامی انوار از یک منبع که نورالانوار است گرفته شده‌اند و درعین حال دارای ویژگی‌ها و مراتب وجودی متفاوتی هستند در نتیجه به‌طور توأمان بیان‌کننده وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است.	در شهرسازی، اجزای شهر شامل: خانه‌ها، مجتمع‌های مسکونی با خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌شوند و یک کل واحد به نام شهر را به‌وجود می‌آورند، عناصر سازمان‌یافته شهر از تکرار حجم‌ها و سطوح متنوع تشکیل شده‌است که مهم‌ترین عامل شکل‌دهی و تقسیم‌بندی فضاهای شهری است. در هنر اسلامی، نمادها با کمک ریتم تکرار می‌شوند و این تکرار در نظمی خارق‌العاده منجر به وحدت می‌شود که جلوه‌ها از کثرت در وحدت به‌شمار می‌روند.

ادامه جدول شماره ۲

اصل اول	توضیح از منظر سهروردی	مصادیق شهرسازی مصداق شهرسازی
عدم گسست	در نظر سهروردی، میان درجات و مراتب نور گسست نیست. عدم گسست در طی طریق راه نه تنها ممکن است مشخص و مداوم باشد، بلکه جهتی روشن داشته باشد، البته وجود یک جهت از یک جانب «راه» ممکن است به درجات صورت پذیرد، تغییری منظم در پاره‌ای کیفیات که در جهتی معین به تدریج افزایش یابد.	سازمان کالبدی شهرهای تاریخی ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه ۱. مرکز شهر ۲. مرکز محلات، از طریق یک رشته فضاها و عناصر ارتباطی ۳. گذرهای اصلی و ۴. میدان استوار است. بخش درونی شهر تاریخی دارای ترکیبی منسجم و مرتبط‌الاجزاست و محصول شکل‌گیری پیوسته و تدریجی است. بخش درونی به صورت یک کل؛ یک نظام و مرکز شهر و مراکز محلات به منزله مراتبی از اجزا و گذرهای اصلی و میدان‌ها، به صورت عناصر پیونددهنده اجزا محسوب می‌شوند.
ماهیت شی	در اندیشه سهروردی، هر یک از موجودات، بنابر قابلیت و درجه قرب خود در یک مرتبه مشخص قرار دارند. قابلیت هر شی مبتنی بر ماهیت آن است و مفهوم ماهیت شی نشان‌دهنده اهمیت تعریف ویژگی‌های هر شی است.	در کریدورهای بصری و راه‌ها که به انواع بسیار از مظاهر مهم سیمای شهر شوند. عناصر کالبدی حایز اهمیت است. گاه راه‌ها اهمیت می‌یابند چون ساختمان آنها جالب توجه است. نشان دادن کاربری‌ها و ماهیت اجزا در طول کریدور بصری می‌تواند مصداقی برای تعریف مختصات هر جز در رسیدن به سلسله‌مراتب مطلوب باشد.
سلسله‌مراتب پیوسته	در اندیشه‌های سهروردی نیز طی طریق مرتبتی دارد و بودن طی آن وصول به مقصد نهایی ممکن نمی‌باشد. سلسله‌مراتب پیوسته در کل مجموعه باید دیده شود مصداقی برای تحقق ارتباط بین اجزا، در رسیدن به سلسله‌مراتب مطلوب می‌باشد.	رعایت سلسله‌مراتب در ابنیه معماری و شهرهای ایرانی یعنی بروز و تقویت درون‌گرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بارز این شهرها بوده است. به عبارت دیگر درون‌گرایی موجود در شهرها و بناها یکی از اثرات اعمال سلسله‌مراتب موردنظر در قلمروهای مختلف حیات فردی و جمعی بوده است.
وحدت ذاتی	در نظر سهروردی، تمامی انوار از یک منبع که همان نورالانوار است برآمده است و یک وحدت ذاتی در کل عالم انوار مشاهده می‌شود.	با خلق اشکال و ایجاد روش‌هایی می‌توان وحدت را یادآور شد؛ ریتم، تکرار و نظم و هندسه ابزارهایی هستند که به کمک آنها می‌توان وحدت را یادآوری کرد. ریتم یا آهنگ در حقیقت تکرار منظم عوامل مشابه است و راه را بر آشفستگی، بی‌نظمی و بی‌سابقگی دایمی می‌بندد و آرامش و یکدستی را القا می‌کند.

۲. زیبایی شهر و مفهوم زیبایی‌شناسی در دیدگاه سهروردی

فلسفه ای که سهروردی بنیادش را نهاد، هرچند همان اندک پرداختن به مباحث هنر در آثار دیگر متفکران اسلامی را هم دربردارد، اما می‌توان در آن، سررشته‌هایی از مباحث زیبایی‌شناسانه را پی گرفت؛ مباحثی که پیش از او در آثار فلاسفه مسلمان، کم سابقه است. نخستین چیزی که در مباحث زیبایی‌شناسانه حائز اهمیت است، تجربه زیبایی‌شناختی است؛ تجربه‌ای که شاید بی‌راه نباشد اگر بگوییم، بنیاد معرفت‌شناختی زیبایی‌شناسی است. زیبایی‌شناسی عنوان رشته‌ای فلسفی است که کوشش می‌کند تا تجربه‌های زیبایی‌شناسانه را در قالب صورت‌های عقلانی ارائه دهد. چنین رویکردی به زیبایی‌شناسی، این امکان را به ما می‌دهد تا با بررسی آثار شیخ اشراق و جستجو در یافتن تجربه‌های زیبایی‌شناسانه او، درباره زیبایی‌شناسی اشراقی سخن گفت (پازوکی، ۱۳۸۲).

جدول شماره ۳. ویژگی زیبایی‌شناسی شهری از منظر سهروردی

ویژگی‌های زیبایی	
اعتقاد سهروردی این است که جهان، الگویی ابدی دارد و آنچه در آفرینش متجلی است از روی حقایق الهی سرچشمه گرفته است و جمال ظاهر حقیقت و حقیقت باطن جمال است. پس هر موجودی نوریت (هستی‌اش) از نورالانوار است، این ویژگی را می‌توان به عناصر شهری تعمیم داد که هر جزء با هویتی برخوردار از زیبایی می‌باشد ولی این درک مختلف افراد در درک محسوس بودن یا نبودن آن می‌باشد.	عینیت
سهروردی زیبایی‌های حسی را در عالم محسوسات می‌داند، زیبایی‌های بصری که از جمله مصادیق آن می‌باشد. دیگر زیبایی‌های موجود در طبیعت مثل اشکال مسدس انگبین، خانه‌های عنکبوت و عجایب دیگر جانوران که می‌توانند به عنوان الگو توجه معماران مسلمان را در معماری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد هنر اسلامی به خود جلب کند. زیبایی‌های سمعی مثل اصوات دلنشین که خود سهروردی به این مورد یعنی سماع و نغمات دلنشین علاقه داشت می‌توان جلوه آن را در سطح شهر با بهره‌گیری از طبیعت و افراد ایجاد نمود.	زیبایی‌های محسوس (ظاهری و بالعرض)
سهروردی زیبایی‌های محسوس را پرتویی از زیبایی‌های خیالی می‌داند که صورشان در عالم خیال موجود است. در واقع زیبایی‌های حسی، فضای هنری از زیبایی‌های عالم خیال هستند. قوه متخیله در انسان مظهري است برای صور موجود در عالم خیال و به سبب آن این صور خیالی زیبا برای انسان قابل درک می‌شوند.	زیبایی‌های خیالی

ادامه جدول شماره ۳. ویژگی زیبای‌شناسی شهری از منظر سهروردی

ویژگی‌های زیبایی	
از نظر سهروردی حس زیبای‌طلبی و کمال‌طلبی انسان را به مکارم اخلاقی می‌رساند و وقتی که تناسب و تعادل اجزا حاصل شود این مکارم محقق می‌شوند و حسن و نیکویی در باطن و ظاهر انسان ظهور می‌یابد. مصداق شهری آن را می‌توان در تناسب اجزای ساختمان و به‌حدی باشد که موجب ایجاد تضاد با زمینه نگردد، همان‌طور که در معماری اسلامی این ویژگی کاملاً مشهود می‌باشد.	زیبایی‌های معقول
معرفت، همان زیبا شدن نفس است و در این هنگام، نفس چیزها را آن‌گونه که هست و باید باشد دیده و تمیز داده و این نقطه پیوند زیبای‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی نزد سهروردی خواهد بود. برای درک زیبای‌شناسی و هنر از دیدگاه سهروردی باید واژه‌هایی مانند زیبای‌شناسی را کنار گذاشت؛ زیرا آنچه امروزه به عنوان استتیک یا زیبای‌شناسی مطرح است، به معنای تحقیقات مربوط ذوق و هنر زیبای‌شناسی و چیستی و ماهیت آن است. و باید این نکته را مورد توجه قرار داد که پیوند زیبای‌شناسی با معرفت و نیکی به آن جذابیت می‌بخشد.	همبستگی زیبای‌شناسی با معرفت

(شفیعی و فاضلی، ۱۳۹۲: ۹-۱۵).

۳. شهر مطلوب از منظر سهروردی و ویژگی‌های آن

- آرمان‌شهر سهروردی

به استناد از سخنان سهروردی، آرمان‌شهر در منظر وی نمود زمینی ندارد و به‌نوعی تجلی‌گاه عالم مثال روی زمین می‌باشد که سهروردی از آن با نام هورقلیا به معنای قلعه خورشید یاد می‌نماید، از آنجاکه هورقلیا در عالم افلاک مثالی واقع است، استفاده از الگوی آسمانی در ساخت شهر و توجه به عالم مثال و توفیق دیدار آن عالم، همگام با اندیشه‌های شیخ اشراق است. هورقلیا ناکجاآبادی نیست که وجود خارجی نداشته باشد بلکه موجود است و وجود دارد و هرکس به صفای باطن دست یابد، آن را مشاهده می‌کند. توجه به مدینه مثالی کنگ دژ هورقلیا در حکمت اشراق راه درک برخی صنایع سنتی و نیز تاریخ شیوه‌های شهرسازی در ایران را باز می‌گشاید. شهر هگمتانه همدان (پایتخت مادها، دو شهر پاسارگاد و تخت جمشید) متعلق به دوره هخامنشیان، باغشهر اصفهان، پایتخت صفویان شیعه مذهب و سرانجام طهران براساس کهن الگویی آرکتیپی ساخته شده‌اند که همان شهر شگفت‌انگیز کنگ باشد (علیخانی، ۱۳۸۹).

- صفات شهر مطلوب سهروردی

فلسفه فرهنگی شیخ اشراق از هر اندیشمند دیگری به فلسفه ایرانی-اسلامی نزدیکتر است. قطع به یقین، می‌توان گفت که معناگرایی در معماری و شهر اسلامی - ایرانی در قوی‌ترین حالت، از فلسفه اشراق نشئت گرفته است، حتی دیگر فلسفه‌ها پس از فلسفه اشراق، مانند حکمت متعالیه، نیز تأثیرشان در بخش هنر همان جنبه اشراقی است و تأثیری است که از حکمت اشراقی داشته‌اند، بنابراین می‌توان حکمت اشراقی را تأثیرگذارترین حکمت و فلسفه بر هنر اصیل اسلامی - ایرانی دانست. آنچه حکیم اشراقی بر آن تأکید دارد، تلاش و کوشش آدمی برای سیر و صعود معنوی و تعالی و رسیدن به مرحله‌ای است که دریافت تابش‌های انوار الهی بر او ممکن گردد، آنچه در ادامه به‌عنوان صفات مطلوب کالبدی و غیر کالبدی شهر آمده است، برداشت‌هایی است که پیام حکمت اشراقی سهروردی در خصوص ویژگی‌های شهر مطلوب به‌دست می‌دهد.

- ویژگی‌های غیر کالبدی

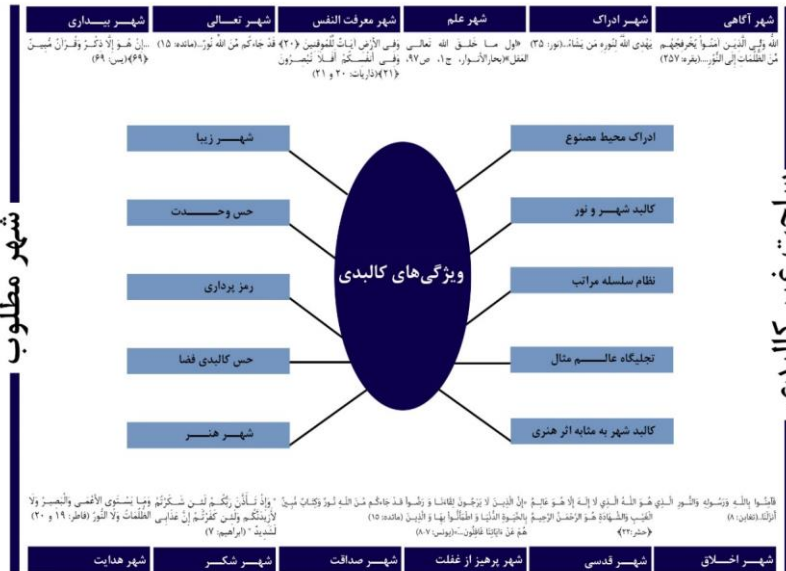
سهروردی در رابطه با ساحت غیر کالبدی شهر به این نکته اشاره می‌کند که خودآگاهی و معرفت نفس در رابطه با هریک از افراد جامعه باید موضوعیت داشته باشد و نمود آن را می‌توان در طراحی و ساخت شهر و روح حاکم بر فضاهای شهری ایجاد نمود که زمینه‌ساز بیداری و تنبه افراد شود و از طرفی، موجب تقویت ادراک ذهنی شهر می‌گردد. لازمه دستیابی به این موارد پرداختن به مسئله علم و اخلاق و متبلور ساختن آن در زمینه‌های مختلف طراحی و ساخت شهر در راستای رسیدن به کمال به معنای کاربست هر چیز به‌صورت بهینه در جای خود می‌گردد که در نهایت ماحصل آن دستیابی شادی و اعتلای حضور و ظهور الهی در کالبد شهر می‌باشد.

- ویژگی‌های کالبدی

سهروردی در رابطه با ویژگی‌های کالبدی شهر مطلوب مستقیماً به مواردی اشاره نکرده است ولی از ترجمان اندیشه وی می‌توان به مواردی چون ادراک محیط مصنوع به‌واسطه ادراک و تأثیر قوه عقلانی انسان، التزام به روح و معنای اثر هنری ساخته شده، نظام سلسله‌مراتبی شهر و مرتبط دانستن آن با مسیر پیوسته در راستای تبدیل نمودن شهر به تجلی‌گاه عالم مثال، زیبایی شهر و

رسیدن به مراتب بالای آن، رسیدن به جامعیت و حس وحدت در اجزای شهری و در نظر گرفتن شهر به‌مثابه اثری هنری از جمله موارد اساسی می‌باشد که در این زمینه می‌توان به آن اشاره نمود.

دیاگرام شماره ۱. ویژگی کالبدی و غیر کالبدی شهر مطلوب از منظر سهروردی



نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقاله اشاره شد، آموزه‌های سهروردی در درجه نخست، به بخش فکری و جهان‌بینی تأکید دارد، چراکه ابتدا باید انسان کامل و هنرمند اصیل مسلمان محقق گردد، سپس می‌توان از تعالیم اشراقی در وجه کالبدی بهره برد و نهایت این موارد خود را در ساحت رفتاری نیز منعکس می‌سازند، بنابراین اگرچه تحقق شهر اصیل اسلامی از منظر سهروردی امکان‌پذیر است اما با توجه به مطالب بیشتری که از تعالیم حکمت اشراقی در دو ساحت فکری و کالبدی منتج شده می‌توان شهر مطلوب سهروردی را در بخش شهری برای مسلمانان رصد کرد، بررسی اندیشه سهروردی در ابعاد مختلف شهر مبین آن است که می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و کاربست اصول و زمینه‌های فکری آن در زمینه‌های مختلف مدیریتی شهر، موجب پدید آمدن محیطی مطلوب برای زندگی افراد شود.

نکات جالب توجه در بررسی اندیشه سهروردی در ساحت ۵ گانه شهری به شرح ذیل می‌باشد:

- در بخش اجتماعی، توجه اندیشه سهروردی به مباحث انسان‌شناسی و ضرورت بررسی انسان در ظرف معرفت و آگاهی و مسائل، مشکلات و بحران‌های انسان امروز می‌باشد و در این خصوص، راهکارهایی را به عنوان اصل در مواجهه با آنها با توجه به شرایط زمانی و مکانی ارائه می‌دهد.
- در بخش سیاسی شهر، به ضرورت دولت و حکومت در سایه حکومت حکیم متأله، که از ویژگی‌های مطلوب در رابطه با اداره و کنترل شهر برخوردار است، اشاره می‌نماید.
- در بخش اقتصادی، سهروردی به‌طور مستقیم به مسئله‌ای اشاره نمی‌کند ولی از ترجمان سخنان وی با توجه به اشاره به مفهوم غنی و فقیر می‌توان بخش دنیوی نظر وی را، که در دسترسی به خدمات و رفاه شهری خلاصه می‌شود، مورد توجه قرار داد و با تفسیر کلام وی به ضرورت پرداختن به مسئله فقر و عدالت اقتصادی توجه ویژه‌ای نمود.
- در رابطه با بخش زیست‌محیطی شهر، سهروردی به استفاده بهینه از بستر طبیعی و ارتباط انسان با آن با توجه به ظرفیت محیطی اشاره می‌نماید و از ترجمان اندیشه وی می‌توان نمود توسعه پایدار مدنظر قرار داد.
- در رابطه با ساحت کالبدی شهر به اصول هستی‌شناسی نظیر وحدت، سلسله‌مراتب و... اشاره می‌نماید با تفسیر گفتار وی می‌توان آن را در ساختار شهر به کار بست، علاوه بر موارد یاد شده سهروردی مباحث زیبایی‌شناسی نظیر تشکیک، عینیت و همبستگی زیبایی‌شناسی با معرفت را مورد توجه قرار می‌دهد، همچنین به شهر مطلوب که ویژگی‌های شهر زمینی را نداشته و به نوعی تجلی‌گاه عالم مثال است اشاره می‌نماید.
- تمامی مواردی که در این پژوهش در رابطه با اندیشه شهرسازی سهروردی مورد بررسی قرار گرفت، جهت کاربست این مفاهیم در بخش نظری و عملی مطالعات شهری بوده و به نوعی گامی ولو کوچک، در اشاعه استفاده از اندیشه متفکرین مسلمان در این عرصه برداشته است، نیاز می‌باشد در پژوهش‌های آتی به منظور ادامه راه این پژوهش و پژوهش‌های مشابه منحصراً به هریک از بخش‌های یاد شده پرداخته شود.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غ. (۱۳۷۹)، *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*، تهران: حکمت.
- احمدی سلمانی، م. (۱۳۹۰)، *معماری معاصر مساجد*، تهران: انتشارات فرهیختگان.

- اسفندیار، ر. (۱۳۸۵)، *وجوه سیاسی فلسفه شیخ شهاب‌الدین سهروردی*، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- اسفندیار، ر. (۱۳۹۲)، «اندیشه سیاسی شیخ شهاب‌الدین سهروردی»، *سیاست متعالیه*، ۱۲۱-۱۳۸.
- بحرینی، س. (۱۳۸۲)، *فرایند طراحی شهری*، تهران: دانشگاه تهران.
- پازوکی، ش. (۱۳۸۲)، *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*، تهران: فرهنگستان هنر.
- توسلی، م. (۱۳۷۴)، «فضای معماری و شهر ایرانی در برابر غرب»، *نشریه هنرهای زیبا*، ۳۷-۵۱.
- حجت، م. (۱۳۸۳)، *عرفان و معماری*، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- حلیمی، م. (۱۳۹۱)، *اصول و مبانی هنرهای تجسمی*، تهران: احیاء کتاب.
- سهروردی، ش. (۱۳۷۸)، *مونس العشاق به انضمام شرح مونس العشاق*، تهران: مولی.
- سهروردی، ش. (۱۳۸۰)، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کرین*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سهروردی، ش. (۱۳۸۲)، *رساله اعتقاد الحکما، ترجمه؟ اصل*، تهران: اساطیر.
- شفیعی، ف.، & فاضلی، ع. (۱۳۹۲)، *زیبایی و شأن وجودی آن نزد سهروردی*. پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۱۰۱-۱۲۲.
- شکر، ع. (۱۳۹۲)، *بررسی مفاهیم «غنی» و «فقیر» از منظر ابن سینا*، سهروردی و ملاصدرا. *تأملات فلسفی*، ۷-۲۰.
- فروم، ا. (۱۳۸۰)، *انقلاب امید*. (ت. م. روشنگر، مترجم) تهران: مروارید.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
- قبادی، ح.، & عاملی رضایی، م. (۱۳۹۰)، *بحران‌های انسان امروز و پاسخ حکمت اشراق به آنها*. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، ۱۱۷-۱۵۶.
- مطلبی، م. & نادری، م. (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام*، ایران و غرب. *مطالعات سیاسی*، ۱۴۶-۱۲۵.
- نصر، س. (۱۳۸۰)، *معرفت و امر قدسی*. (ت. ف. میرزایی، مترجم) تهران: فرزانه.
- نصر، س. (۱۳۸۹)، *هنر و معنویت اسلامی*. (ت. ر. قاسمیان، مترجم) تهران: حکمت.
- نقی زاده، م. (۱۳۸۴)، *جایگاه طبیعت و محیط‌زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی*. تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- نقی زاده، م. (۱۳۸۵)، *معماری و شهرسازی اسلامی*. تهران: راهیان.
- نقی زاده، م. (۱۳۹۰)، *تأملاتی در نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری*. تهران: نشر شهر.

- نوفل، س.، پورجعفر، م و کلبادی، پ ، (1388) «بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهر (نمونه موردی محله جلفا شهر اصفهان)»، *آرمان شهر*.
- Nvan Lier, H. (1998), "The role of land use planning in sustainable rural systems", *Landscape and Urban Planning*, 83-91.